

ایران فرهنگی

۶ ویژگی اخلاقی برای «مدیریت جهادی»

مشی مجاهدانه منش ایثارگرانه

در غیاب روحیه جهادی است که منفعت طلبی و سودجویی در یک فرهنگ ریشه می گیرد

دکتر محسن رادای
دکترای علوم سیاسی و استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

بر اساس شاخص های پذیرفته شده جهانی، وضعیت اقتصادی و حکمرانی کشورمان بخصوص در یک دهه اخیر آفول کرده است. اصلاح این وضعیت با روش های بوروکراتیک جاری و مرسوم ممکن نیست. اینجااست که باید روش و ابزار متفاوت بکار بست تا بتوان بر این عقب ماندگی غلبه کرد. «مدیریت جهادی» راه حلی است که می تواند به صورت جهشی کشور را از ابرچالش های پیش رو رهایی بخشد.

تجربه دفاع مقدس به ما نشان داد که «مدیریت جهادی» و «روحیه جهادی»

برای تحقق غیرممکن ها کارآمد است. در زمان جنگ تحمیلی استفاده از روش های کلاسیک و ارتش مرسوم برای مقابله با رژیم صدام کفایت نمی کرد و پیروزی در جنگ غیرممکن به نظر می رسید. در این اوضاع، پیش بینی صدام از فتح سه روزه تهران، رؤیایی و دوراز ذهن نبود. اما وقتی جوانان با ایمان و انقلابی، ایثارگرانه و با روحیه جهادی وارد عرصه شدند و در کنار ارتشیان غیور، جانانه جنگیدند، ورق برگشت و پیروزی های درخشان، جشم جهان را خیره کرد. همه این دستاوردها و ظفرها، نتیجه «عزم جهادی جوانان» بود.

اکنون نیز برای غلبه بر ابرچالش های کشور ناچاریم که دست به دامن «مدیریت جهادی» شویم و کار را به جوانان بسپاریم. مدیریت جهادی زاینده و ثمره انقلاب اسلامی است و در برهه های مختلف، توانسته ناکارآمدی دستگاه بوروکراسی را جبران کند. «ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است.» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کشاورزان ۱۴/۱۰/۱۳۸۴)

اما «مدیریت جهادی» چیست؟ قبل از اینکه به این پرسش پاسخ دهیم، باید توجه داشت که دو معنای اشتباه در ذهن مردم و کارگزاران از مدیریت جهادی وجود دارد: برداشت نخست که در ذهن برخی مردم وجود دارد این است که «تن ندادن به نظم و تشکیلات» همان مدیریت جهادی است. درحالی که این نگاه کاملاً اشتباه است و رهبر انقلاب اسلامی هم آن را نفی کرده اند. «مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان-۱۴/۱۰/۱۳۸۲) یا گاهی برخی مردم تصور می کنند که مدیریت جهادی کنار گذاشتن علم و عقل است. درحالی که باز هم رهبر انقلاب اسلامی تأکید می کنند که

کار جهادی باید «هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.» (مقام معظم رهبری، بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی-۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

برداشت نادرست دوم که در میان برخی مسئولان و کارگزاران دیده می شود، «تن دادن به کار رایگان» را معادل روحیه جهادی می دانند. بنابراین اگر کسی حاضر نبود «هفت» کار کند، «روحیه جهادی» ندارد! این برداشت از کار جهادی، غیرواقعی، سودجویانه و غیر اخلاقی است. با بررسی اندیشه رهبر معظم انقلاب می توان به این نتیجه رسید که «مدیریت جهادی»، به معنای دارا بودن ویژگی های اخلاقی زیر است:

۱ **نفی برتری جویی و منفعت طلبی شخصی:** مدیریت جهادی از نظر رهبر معظم انقلاب، مخالفت با «روحیه تافته جدابافته» دانستن «خود» است. کسانی که «احساس کنند یک سرگردن از همه بالاترند» روحیه جهادی ندارند و نمی توانند مدیران جهادی باشند. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»-۱۳۹۴/۷/۲۲)

مدیریت جهادی مانع از منفعت طلبی شخصی می شود. در غیاب روحیه جهادی بیانات در دیدار جمعی از «هر انسانی به تنهایی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می خواهد و ضرر را از خود دفع می کند.

اصل برای او این است» درحالی که مدیریت جهادی باعث می شود که انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل شود و خود را فراموش کند. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان-۱۴/۱۰/۱۳۸۲) در غیاب روحیه جهادی است که منفعت طلبی شخصی و سودجویی در یک فرهنگ ریشه می گیرد.

۲ **اخلاص:** «روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»-۱۳۹۴/۷/۲۲) مدیران جهادی کارها و رفتارشان فقط برای خداست و از منیت خالی است.

۳ **اعتقاد به «ما می توانیم»:** مدیریت جهادی با «نی توانیم» میانه ای ندارد و فقط به «ما می توانیم» اعتقاد دارد. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کشاورزان-۱۴/۱۰/۱۳۸۲) اگر هم مانع و سدی برای رسیدن به هدف وجود داشته باشد، افراد دارای روحیه جهادی آنها را

کوچک و قابل شکست دادن می بینند. روحیه جهادی اجازه نمی دهد که افراد به بهانه وجود مانع معطل شوند و دست از کار و تلاش بکشند. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت-۱۳۹۲/۶/۶) روحیه جهادی باعث می شود که فرد جهادی از هر راهی برای رسیدن به هدف استفاده کند و مانند رودی اگر در مسیر رسیدن به دریا، به صخره و سنگی برخورد کرد، با تلاش خود سعی کند یا سنگ را کنار بزند، یا از زیر وی آن عبور کند و دست آخر سنگ را دور می زند و مسیر جدیدی می سازد اما دست از حرکت بر نمی دارد.

۴ **خستگی ناپذیری:** روحیه جهادی انگیزه های است که «کار بی وقفه و خستگی ناپذیر» را ممکن

می سازد. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کشاورزان-۱۴/۱۰/۱۳۸۴) مدیران جهادی از کار خسته نمی شوند. (مقام معظم رهبری، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰-۱۳۹۰) اصولاً کلمه «جهاد»، کار زیاد و فراوان را به ذهن متبادر می کند. «کار فوق العاده و زیاد» از نظر رهبری، کار جهادی و مبتنی بر روحیه جهاد است. (مقام معظم رهبری، بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی-۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۵ **کارآمدی و سرعت:** «انگیزه برای پیش بردن سریع تر و کارآمدتر کارها»، نتیجه مدیریت جهادی است. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه-۱۳۹۸/۷/۱۰)

۶ **استفاده بهینه از منابع موجود:** رهبر انقلاب با تمثیل کمبود آب، روحیه مدیران جهادی را توصیف می کنند: «همانگونه که می دانید آب در کشور ما به قدر زمین نیست. معروف است که ایران کشور کم آبی است؛ اما اگر با عقل و تدبیر و روحیه خستگی ناپذیری پیش برویم، می شود از همین آب موجود استفاده کرد... می شود این کارها را کرد و باید بکنیم؛ با روحیه جهادی ممکن است.» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان-۱۳۸۲/۱۰/۱۴) مدیریت جهادی باعث می شود که افراد «بدون انتظار فراهم آمدن همه جزئیات» برای آدم های معمولی لازم و مؤثر است، سر از پا نشناخته، عاشقانه، با جوش و ابتکار و استعداد، بدون اینکه گفته

روایت محبوبه سادات رضوی از سرباز عراقی که نمی خواست با ایرانی ها بجنگد

جهاد من در ننجیدن بود

◀ صفحه ۱۵

گپ و گفتی درباره ادبیات با رسول نجفیان به مناسبت زادروز هفتاد سالگی اش

بدون پشتوانه ادبی هنر هیچ است

◀ صفحه ۱۴

«ریزش انقلابی ها» داریم

اما «ریزش انقلاب» نداریم!



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر داوود مهدوی‌زادگان

سرپرست سازمان سمت و دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ برای بحث درباره «زمینه‌ها، علل و عوامل ریزش های انقلاب اسلامی» لازم به نظر می‌رسد که در آغاز، مفهوم «ریزش» را تجزیه و تحلیل کنیم. این واژه ابهام دارد و دو معنا برای «ریزش های انقلاب» می‌توان تصور کرد: «ریزش انقلاب» و هم «ریزش انقلابی‌ها». بنابراین هم می‌تواند وصفی برای خود انقلاب و هم برای حاملان انقلاب (انقلابی‌ها) باشد.

در خصوص معنای «ریزش انقلاب» باید گفت که جامعه‌شناسان به این موضوع بسیار پرداخته‌اند و از آن با عنوان «عادی‌سازی» و «ترمیدور» یاد کرده‌اند. بدین معنا که انقلاب از اصالت‌هایش عبور کرده، ماهیتش را از دست داده و عادی شده است. «عادی شدن انقلاب» یعنی روزمره شدن، کنار رفتن حیات انقلابی و از دست دادن ظرفیت لگو بودن. آن انقلاب که به این سرنوشت دچار شود دیگر جانی ندارد و در وضعیت عادی شده قرار گرفته است؛ چراکه به‌طور کلی، انقلاب «گذار از وضعیت عادی به غیرعادی» است. در نتیجه در صورت بروز این پدیده می‌توان گفت انقلاب دچار ریزش شده است.

۲ اما گاهی ریزش بین حاملان انقلاب صورت می‌گیرد. یک وقت روح انقلابی بین افراد وجود دارد، اما انقلابی نیست؛ چرا که انقلاب تبدیل به «خاطره» و «یک واقعه تاریخی» شده است؛ آن وقت مردم احساس نمی‌کنند که در متن انقلاب حضور دارند و وقتی از انقلاب می‌گویند، گویی از دیروز می‌گویند؛ چرا که انقلاب در «حال» وجود ندارد. در مورد انقلاب مشروطه چنین اتفاقی افتاد. انقلاب مشروطه خیلی زود به «خاطره» تبدیل شد.

معنای دیگر «ریزش های انقلاب»، ریزش حاملان انقلاب است. یعنی انقلابیونی که از انقلاب فاصله گرفته و از آن جدا شده‌اند. زمانی که حاملان انقلاب از انقلاب فاصله می‌گیرند می‌توان گفت دچار ریزش شده‌اند. از این ریزش هم می‌توان به «عادی شدن» تعبیر کرد. در چنین شرایطی انقلاب حضور دارد و در حیات به سر می‌برد، اما انقلابیون عادی شده و از جوهره انقلاب فاصله گرفته‌اند. معنای نخست «ریزش های انقلاب» در جامعه‌شناسی بسیار بحث شده است، اما در قالب معنای دوم کمتر پرداخته شده است. جامعه‌شناسی با رویکرد لیبرالی و رسمی طبیعی است که به معنای نخست بپردازد. این معنا برای آنان مهم است و «فاصله گرفتن انقلابیون» برای جامعه‌شناسی رسمی زیاد مهم نیست، اما در اندیشه انقلابی موضوع دوم مهم است. بالاخره هیچ انقلابی مایل نیست طرفداران

خود را از دست دهد. البته این دو معنا نسبتی نیز با هم پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد بین این دو معنا تقابلی نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌شود گفت قابل جمع نیستند و یکی از این دو، شکل می‌گیرد. اینها تضادی با هم دارند. وقتی می‌گوییم ریزش انقلابی، یعنی انقلاب زنده است و وجود دارد و در عین حال افرادی از آن جدا شده‌اند.

۳ حال باید پرسید ما اکنون با پدیده «ریزش برخی از انقلابیون مواجه هستیم یا ریزش انقلاب؟» اگر تحلیل

ریزش انقلابی حاکم باشد، یعنی انقلاب زنده و در تکاپو است؛ حاملان انقلاب ریزش کرده‌اند نه خود انقلاب. این خود بیامی دارد که نگرانی از بابت انقلاب نباید داشته باشیم. انقلاب حیات دارد و بیامی برای امروز ما دارد. بنابراین ریزش انقلاب اتفاق نیفتاده است، بلکه نگرانی نسبت به انقلابیون است که از انقلاب فاصله گرفتند. پس باید تفکیک کرد که دغدغه معطوف به «انقلاب» یا «انقلابی‌ها» است. تحلیل اشتباه، مسائلی به همراه دارد و به جای اینکه دغدغه انقلابیون را داشته باشیم، دغدغه انقلاب را خواهیم داشت. برای ما ریزش انقلابی‌ها مهم است، بنابراین باید درباره عوامل ریزش انقلابی‌ها تأمل کنیم. نخستین دلیل قوت و افق اندیشه انقلاب است. هر قدر افق، محتوا و اندیشه یک انقلاب قوی، مستحکم و تو در تو باشد و گستره زیادی داشته باشد، می‌توان پیش بینی کرد که انقلاب دچار ریزش شود. بالاخره همه افراد یک سطح نیستند. برخی نمی‌توانند «عمق اندیشه انقلاب» را در لایه‌های عمیق درک کنند. در نتیجه آنان در میانه راه به دلیل «ارتفاع انقلاب» عدول می‌کنند.

۴ برخی از ریزش‌ها را نباید به «ریزش» تعبیر کرد چرا که وقتی انقلابی شکل می‌گیرد، عده‌ای هم‌داستان با انقلاب نیستند، اما چون خودشان قادر به ایجاد جنبش اجتماعی نیستند هم‌داستان می‌شوند و طبیعی است که این گروه به مرور فاصله می‌گیرند و به اینها نمی‌توان ریزش گفت. در انقلاب اسلامی گروه‌ها و افراد بسیاری بودند که با نیت‌ها و طمع‌هایی وارد شدند و سپس جدا شدند.

دلیل دیگر ریزش «آرمان‌گرایی محض» است. برخی انقلابیون به شدت آرمان‌گرا هستند و وقتی انقلاب و نظام را در موقعیت‌هایی می‌بینند، چون ظرفیت ندارند، ریزش می‌کنند. تفکهایشان هم متوجه آرمان‌های انقلاب می‌شود. دلیل دیگر «واقع‌گرایی محض» است. آنان نمی‌توانند در فضای آرمانی زندگی کنند بنابراین ریزش پیدا می‌کنند. این گروه با توجه به مقتضیات زمان عمل می‌کنند. دلیل دیگر هم «روزمره شدن انقلابیون» است.

۵ با توجه به این مقدمات، در مقام پاسخ به این پرسش که «آیا ما با پدیده ریزش انقلاب یا انقلابی در انقلاب اسلامی مواجه هستیم؟» باید گفت: ما «ریزش انقلابی» داریم، اما «ریزش انقلاب» نداریم. اگر گفتار و اعمال ریزشی‌ها را بررسی کنیم، متوجه ریزش انقلابی‌ها خواهیم شد. وقتی در گفتار افراد توجه کنیم، سخنان آنان معطوف به اهداف و آرمان‌های انقلاب نیست و معلوم است که از آنها عدول کرده‌اند. آن چیزی را که در متن انقلاب بوده، نمی‌خواهند و تجدیدنظر طلب شده‌اند. به هر حال ما دوست نداریم انقلابیون از قطار انقلاب پیاده شوند، اما مهم این است که قطار انقلاب متوقف نشود. البته باید واکاوی کرد تا آن کسانی که پیاده شدند به قطار انقلاب بازگردند.

* **مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده سخنرانی دکتر داوود مهدوی‌زادگان است که در نشست «بررسی زمینه‌ها، علل و عوامل ریزش های انقلاب اسلامی» در محل مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ارائه شد و از سوی برگزارکنندگان، تدوین و تنظیم شده است.**

نیم نگاه

■ **دو معنای اشتباه در ذهن مردم و کارگزاران از «مدیریت جهادی» وجود دارد: برخی فکری می‌کنند «تن ندادن به نظم و تشکیلات» همان مدیریت جهادی است. در حالی که این نگاه کاملاً اشتباه است و رهبر انقلاب اسلامی هم آن را نفی کرده‌اند یا گاهی برخی تصور می‌کنند که مدیریت جهادی کنار گذاشتن علم و عقل است. در حالی که باز هم رهبر انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند که کار جهادی باید «هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.»**

■ **مدیریت جهادی با «نمی توانیم» میانه‌ای ندارد و فقط به «ما می توانیم» اعتقاد دارد. شهدای جنگ تحمیلی ستارگان درخشان و الگوی مدیریت جهادی هستند. جز با کار خستگی ناپذیر و جهادی نمی‌توان شرایط را به نفع مردم تغییر داد.**

■ **اکنون نیز برای غلبه بر ابرچالش‌های کشور ناچاریم که**

دست به دامن «مدیریت جهادی» شویم و کار را به جوانان بسپاریم. مدیریت جهادی زاینده و ثمره انقلاب اسلامی است و در برهه‌های مختلف، توانسته ناکارآمدی دستگاه بوروکراسی را جبران کند.



عکس: Litica

شود این را نداریم و آن را نداریم، حتی با دست خالی» اقدام کنند و متکی به «عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسان‌ها» کار را پیش برند. (مقام معظم رهبری، بیانات در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه نیروی دریایی ارتش -۱۳۷۰/۱۰/۱۲)

با نهدانیده شدن این شاخصه‌ها در مدیران است که می‌توان کارهای بزرگ و به‌ظاهر غیرممکن را پیش برد. همان‌طور که در جنگ تحمیلی جوانان جهادی توانستند پیروزی نظامی کسب کنند، در جنگ اقتصادی امروز هم می‌توان با مدیریت جهادی جوانان، بر تحریم و بی‌عدالتی غلبه کرد. در پایان این یادداشت مناسب است که به یک خاطره از شهید مهدی زین‌الدین اشاره کنیم. شهدای جنگ تحمیلی ستارگان درخشان و الگوی مدیریت جهادی هستند. جز با کار خستگی ناپذیر و جهادی نمی‌توان شرایط را به نفع مردم تغییر داد.